

فرجام فاجعه

روایت‌یک تجربه در دهمین سالگرد آن



دکتر احمد ظروفی

پژوهشگر پیشرفت

با آب و نان و غذایی. به کمک هلیکوپتر، خودروی امدادی یا حتی پای پیاده، تلاش بر این بود که روستاهای دور و صعب‌العبور هم از قلم نیافتند. کیفیت و وسعت کمک‌رسانی‌ها در ساعات اولیه، مقام معظم رهبری را بر آن داشت تا در بازدید از منطقه، اقدامات صورت گرفته در حوزه امداد را با واژه «بی‌ظنیر» توصیف کنند. با این اتفاق، عزم و اراده نیروهای هلال احمر برای ارائه مستمر خدمات به آسیب‌دیدگان دوچندان شده بود.

از سوی دیگر، رزمه‌های امیدوارکننده‌تری به گوش می‌رسید. دولت خیلی زود تصمیم خارق‌العاده‌ای گرفته بود. حذف اسکان موقت و شروع فوری و ضربتی ساخت‌وساز. ستاد مدیریت بحران با خطرپذیری زیادی پس از گذشت یک روز از وقوع زلزله، اتمام مرحله نجات را اعلام کرده بود تا با سرازیر شدن ماشین‌آلات سنگین از کل کشور، آواربرداری شروع شود. همین اتفاق، مقدمه‌ای بود تا تمام منطقه، خیلی زود، برای ساخت بیست هزار واحد مسکونی روستایی تبدیل به کارگاه شود. البته این اتفاق نیازمند جلب اعتماد و همراهی مردم بود. آنها باید برای پیشبرد امور بانکی و گرفتن تسهیلات دولتی پرونده تشکیل می‌دادند و ضامن یکدیگر می‌شدند. برای این منظور، استاندار آذربایجان شرقی جلسه‌ای با ائمه جمعه و سایر روحانیون ترتیب می‌دهد و تصمیمات و اقدامات موردنیاز را برایشان تشریح می‌کند تا آنها نیز به اقناع مردم بپردازند. برخی از اهالی دیر و برخی زود، پای‌کار می‌آیند. ادارات بنیاد مسکن از ۱۳ استان راهی منطقه می‌شوند و هرکدام بخشی از ساخت‌وساز را بر عهده می‌گیرند. قرار بر این است که تا شروع فصل سرما هیچ‌کدام از کسانی که به صورت دائمی ساکن روستاهای زلزله‌زده هستند بی‌سرپناه نمانند. نوسانات قیمت دلار در واپسین ماه‌های استقرار دولت دهم،

عصر ۲۱ مرداد سال ۹۱ بود که زمین زیر پای مردم رقصید. خانه‌های روستایی، در شهرستان‌های اهر، ورزقان و هریس روی سرزنان و کودکان آوار شد. مردان که عموماً در بیرون از خانه مشغول کار بودند، به کمک نیروهای ارتش، سپاه و هلال احمر، برای نجات عزیزان‌شان به جنگ آوار رفتند؛ اما دریا که ۳۴۰ نفر از اهالی منطقه، از تکرار ذکر «بک یا الله» در شب احیای بیست و سوم ماه رمضان جا ماندند. کم‌کم با سرد شدن داغ جانباختگان، مشکلات ادامه حیات در روستا جان می‌گرفت. خانه‌ها ویران و دام و طیور پراکنده شده بود. رمقی برای رسیدگی به زراعت و برداشت محصول وجود نداشت. سرمای استخوان‌سوز ارسباران در پیش بود. خیلی زود باید کورسوی امیدی بین اهالی تزیق شده و آنها را به حرکت وامی‌داشت.

اما شروع مواجهه با حادثه، از جانب مردم و مسئولان، نوید یک اتفاق خوب را در عرصه کمک‌رسانی می‌داد. صف خودروهای باری به سمت منطقه روانه شده بود. مدیریت توزیع اقلام اهدایی و کمک‌های دولتی با هلال احمر بود و به‌جز مواردی خاص، مشکل حادی وجود نداشت. عموماً در کنار هر خانه فروریخته، چادری برپا بود

”

مدیریت توزیع اقلام اهدایی و کمک‌های دولتی با هلال احمر بود و به‌جز مواردی خاص، مشکل حادی وجود نداشت. عموماً در کنار هر خانه فروریخته، چادری برپا بود با آب و نان و غذایی. به کمک هلیکوپتر، خودروی امدادی یا حتی پای پیاده، تلاش بر این بود که روستاهای دور و صعب‌العبور هم از قلم نیافتند